

نقد و تحلیل جامعه‌شناختی اندیشه دکتر حسین عظیمی

در خصوص توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران

محمد حسین پوریانی*

چکیده

مقاله حاضر در صدد تحلیل و تبیین جامعه‌شناختی اندیشه مرحوم دکتر حسین عظیمی در خصوص توسعه اقتصادی - اجتماعی ایران است و تلاش شده چارچوب‌های فکری و نظری وی در باب اقتصاد و توسعه، معرفت و شناخت انسانی و همچنین استراتژی توسعه کشور، مشکلات و تنگناهای اقتصادی موجود در ایران، کارکردهای نهادهای پانزده گانه توسعه و محورهای اصلاحی نهادها، بیان شود.

مقدمه

در مباحث اقتصاد و بحث الگوی توسعه مناسب ایران همواره این موضوع مطرح است که چرا به رغم این همه گفت‌وگو و زحمت و تلاش، هنوز توان آن نیست که برای مردم ایران و جوانان، شغل مناسب، درآمد مطلوب، زندگی آسوده، احساس امنیت اقتصادی، و آینده نسبتاً مطمئنی را فراهم آوریم. به تعبیر دکتر حسین عظیمی در این جهت «جامعه ما دولت سالار است، جامعه دارای دستگاه اداری ناکار است، که سازمان‌های لازم برای تشکیل سرمایه انسانی در جامعه شکل نگرفته و یا نهادینه نشده، و برخوردهای جامعه

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نراق.

جهانی با ما ظالمانه بوده، و حرکت مسئولان اقتصادی ناسالم بوده و هست که صاحبان سرمایه در چنین بسترهای ناسالمی به دنبال سودهای آنی و درآمدهای بادآورده بوده‌اند، که سرمایه کشور راه خروج به دنبال خارج را خوب شناخته، که مغزهای خلاق جامعه پس از پرورش یا از جامعه رانده شده و یا خود به دیار دیگری رفته‌اند، که کارها را به کاردان نسپردیم، که به علم و فن دل نداده‌ایم، که به انسانیت انسان و هویت یگانه او باور نداشته‌ایم»^۱.

به تعبیر دکتر حسین عظیمی در یک کلام «اقتصاد جامعه، قدرت تأمین مردم را از دست داده است، نتیجه مشخص است: رکود، بحران، بیکاری، تورم، توزیع نامتعادل و ناعادلانه درآمد و ثروت، فقر و محرومیت، ترس و نگرانی از آینده، مرعوب بودن در مقابل اقتصادهای بیرونی و تضعیف شدید هویت اقتصادی جهانی کشور»^۲.

مختصر زندگی دکتر عظیمی

دکتر حسین عظیمی سال ۱۳۲۷ در آران و بیدگل متولد شد، تحصیلات اقتصادی خویش را در سال ۱۳۴۴ در دانشگاه تهران شروع کرد. دکتری اقتصاد را از دانشگاه آکسفورد انگلستان اخذ کرد، مدرس اقتصاد و توسعه دانشکده‌های اقتصاد دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد اسلامی بوده است و در زمینه‌های مختلف اجرایی و علمی فعالیت داشته و به عنوان کارشناس اجتماعی، عضو ستاد برنامه، مشاور معاونت اجتماعی، معاونت دفتر اقتصاد کلان، سرپرست دفتر آموزش نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۷-۱۳۶۰ مشغول بوده، در اواخر عمرش به سمت ریاست مؤسسه آموزش عالی و پژوهش برنامه ریزی و مدیریت برگزیده شده بود. او نشان داد که چه اندازه به آرمان‌ها و دیدگاه‌هایش وفادار است، در سال ۱۳۸۱ در جلسه‌ای با تعدادی از نمایندگان مجلس گفت: «من همیشه با عشق کار می‌کردم، نه دنبال پول بودم نه چیزهای دیگر. الان که اینجا آمده‌ام کار من ده برابر شده است. درآمد هم یک سوم شده است، ولی عشقش هست، اما بین عشق و دیوانگی یک مرز هست، ولی من از این مرز عبور نخواهم کرد و دیوانگی این است که بینم نتایج این کار برای مملکت اثر ندارد، فایده‌ای ندارد، در آن صورت به

۱. حسین عظیمی، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، ص ۷ و ۸.

۲. همان، ص ۱۰.

دانشگاه بازخواهم گشت». تز دکترای دکتر حسین عظیمی در آکسفورد، یعنی قدیمی‌ترین دانشگاه جهان «فقر در ایران» بوده است. آثار علمی فراوانی از قبیل کتاب و مقاله از وی به جا مانده است که در پیوست مقاله ذکر می‌شود.

چارچوب‌های فکری و نظری دکتر حسین عظیمی در باب اقتصاد و توسعه

دکتر حسین عظیمی در مقدمه‌ای که بر کتاب اصول علم ثروت ملل تألیف محمد علی فروغی نوشت، نکاتی را به عنوان مباحث نظری مطرح کرده است که «مسائل تازه عصر و زمانه ما، که همانا در بحث ایجاد، همسازی، بین توسعه و انسان از یک سو، و توسعه و طبیعت از سوی دیگر است، به تدریج تحت عنوان «توسعه پایدار» در مباحث علم اقتصاد نیز انعکاس می‌یابد، در این مسیر تکاملی است که علم اقتصاد کوشیده است همراه و همگام با تحول جوامع بشری به مسائل و مشکلات اساسی این جوامع در ارتباط با ازدیاد ثروت جامعه، فقر مردم، الگوهای نامتعادل توزیع، بحران و رکورد اقتصادی، تورم و درهم ریختگی اقتصادی، بیکاری و اشتغال، و نوع مناسبات کشورهای فقیر و ثروتمند بپردازد. در این راستا است که شش سؤال عمده و اساسی اجتماعی زیر در علم اقتصاد مورد بحث و بررسی قرار گرفته و دنیایی از مطالعات شناخت‌شناسی و فرضیه‌ها و قوانین علمی در علم اقتصاد برای استفاده ما در سازمان‌دهی جامعه فراهم آورده است:

۱. یافتن قانونمندی‌های افزایش تولید در سطح کلان جامعه؛
۲. یافتن قانونمندی‌های مربوط به نوسانات اقتصادی در سطح کلان جامعه؛
۳. یافتن قانونمندی‌های مربوط به تداوم رشد اقتصادی در جوامع صنعتی؛
۴. یافتن قانونمندی‌های مربوط به تخصیص بهینه منابع در سطح بنگاه اقتصادی؛
۵. یافتن قانونمندی‌های مربوط به فقیر ماندن کشورهای در حال توسعه؛
۶. انجام بررسی‌های لازم در زمینه توسعه پایدار.

ما در اینجا به قسمت پنجم و ششم آن اشاره می‌کنیم، «توسعه، یک تفسیر و تحول همه جانبه و فراگیر است. فرهنگ و اقتصاد، قشربندی اجتماعی، ساختار سیاسی، ساختار علمی، فنی، ساختار معیشتی،... همه باید تغییرات خاصی را پذیرا شوند تا توسعه تحقق یابد. برای جوامع عقب مانده‌ای که می‌خواهند از عقب ماندگی خارج

شوند، توسعه در یک جمله مشخص می‌شود: مرگ نظام کهن و تولد یک جامعه جدید» یعنی روشن شد، که اگر کشورهای مثل ایران، هند، پاکستان و غیره بخواهند جریان توسعه را به نهایت برسانند، باید این مفهوم را بپذیرند که نظام کهن وجود دارد که لازم است حتماً حذف شود و نظام جدید جایگزین آن گردد. دست کم در مطالعات توسعه هیچ راه دیگری برای توسعه شناخت شده نیست و در نهایت توسعه شاید به این گونه قابل توصیف باشد که توسعه فرایندی است که طی آن جامعه از یک دوران تاریخی به دوران تاریخی بعدی انتقال می‌یابد. به عبارت دیگر توسعه در مطالعات توسعه‌ای با شاخص‌های ساده‌ای، مثل تولید ملی، بیکاری و اشتغال... تعریف نمی‌شود، اینها همه تبعات توسعه هستند. توسعه در حقیقت فرایند انتقالی جامعه از یک دوران تاریخی به یک دوران دیگر است.^۱

معرفت و شناخت انسانی از منظر دکتر عظیمی

دکتر عظیمی معتقد است که بشر در طی تاریخ با سه نوع خاص از معرفت و شناخت؛ یعنی معرفت فلسفی، عرفانی و تجربی سر و کار داشته است. معرفت فلسفی به چند و چون کلیت هستی پرداخته، معرفت عرفانی به رمز و راز شناخت خود خویش انسانی مشغول بوده، و معرفت تجربی، یا علم، به کشف قانونمندی‌های پدیده‌های مشخص و جداگانه طبیعت پرداخته و این قانونمندی‌ها را در سازگاری امور با خواست‌ها و نیازمندی‌های انسان به کار گرفته است.

وی اشاره می‌کند که بشر در تمامی دوران حیات خود با هر سه نوع معرفت سروکار داشته است، اما میزده دوران جدید تاریخ بشری که تحت عنوان تمدن صنعتی شناخته شده، در این نکته خلاصه می‌گردد که در این دوران برگشوده شدن باب معرفت تجربی (علم)، گسترش اعجاب‌انگیز و بی سابقه این نوع از معرفت، و کاربرد همه جانبه آن در زندگی تأکید اساسی شده است. وی تأکید می‌کند، در دوران تاریخی جدید، قاعده این است که ظرفیت‌ها در «آحاد انسانی» جوامع نهفته است، نتیجه آنکه اگر استفاده لازم از ظرفیت صورت نمی‌گیرد، مانع عمده این عدم استفاده در ناسازگاری، نهادهای فکری، سازمانی و مادی این جوامع است.

۱. محمد علی فروغی، اصول علم ثروت ملل با مقدمه دکتر حسین عظیمی، ص ۲۱-۳۴.

پس ظرفیت بالقوه و تاریخی، نیز در تک تک انسان‌های جامعه ما و در خلاقیت و استعداد‌های انسان‌های ما برای شکوفایی معرفت تجربی، نهفته است «لذا اگر در مقیاس توسعه در نقطه پایینی قرار داریم، دلیل اصلی این ناشکوفایی در این واقعیت نهفته است که نتوانسته‌ایم این استعداد‌های بالقوه را شکوفا سازیم. در این راستا است که مسئله مشارکت وسیع مردم برای تحقق فرایند توسعه از قانونمندی‌های اساسی زندگی و از ضروریات اصلی است. پس، براساس این قانون اصلی، کشور ما، همانند تمامی جوامع امروزی، جز از طریق تقویت مشارکت فراگیر تک تک اعضای جامعه امکان تحقق توسعه را به دست نخواهد آورد و در چنین شرایطی به صورت جامعه‌ای وابسته، متزلزل، بحران زده، و دور از آرامش و آسایش انسانی باقی خواهد ماند»^۱.



انواع معرفت و شناخت انسانی

وی اشاره دارد در بطن تحول توسعه‌ای دو مکانیسم نهفته است، یعنی بدین معنا است که پایگاه و محور اصلی این تغییر بنیادی در این تحول دورانی و تاریخی نهفته است: ۱. یکی در مکانیسم کسب علم و فن؛ ۲. دیگری در مکانیسم انتقال علم و فن. در جامعه ماقبل صنعتی و یا توسعه نیافته، مکانیسم کسب علم و فن، تجربه و خطا در صحنه تولید است. مکانیسم انتقال علم و فن نیز، شاگردی و تمرین در صحنه تولید است.

۱. همان، ص ۳۷-۴۰.

در جامعه نوین، آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌های آموزشی و امثال اینها هستند که جایگزین تجربه و خطا می‌شوند. این طور نیست که در دنیای سنتی علم و معرفت وجود ندارد، معرفت و علم هست، ولی آنچه این معرفت را در دنیای قدیم به وجود می‌آورد، تجربه و خطا در صحنه تولید است. در حالی که در دنیای نوین می‌بینیم که این معرفت در آزمایشگاه و کارگاه و کتابخانه و... به وجود می‌آید و انتقال این علم و معرفت نیز در دنیای نوین از طریق دوره‌های آموزشی و کاربردی سنجیده و از پیش تدوین شده صورت می‌گیرد.

اصول ثابت در فرایند توسعه

از نظر دکتر حسین عظیمی، «اصول ثابت» در فرایند توسعه عبارتند از:

۱. اصل فراگیری: یعنی توسعه کامل بدون توسعه تمامی ساختارها ممکن نیست.
۲. اصل ناهمگونی: بدین معنا که اصل در فرایند توسعه عبارت است از توسعه نامتوازن.
۳. اصل تنش: این بدان مفهوم است که در فرایند گذار، همیشه با شکاف ساختاری مواجه هستیم.
۴. اصل اصطکاک: یعنی همیشه این شکاف ساختاری، برخورد ایجاد می‌کند و برخوردهای دیگر از حد خاصی تجاوز کنند، مانع ساختاری برای توسعه به وجود خواهند آورد.
- ۵ و ۶. اصول «التهاب» و «خمودگی»: به این معنا که اگر این تنش‌ها ناشی از عقب‌ماندگی اساسی ساختار سیاسی باشد، عصر انقلابات اجتماعی فرامی‌رسد. در این دوره‌ها عوامل مرسوم اقتصادی مانند سرمایه یا نیروی متخصص نیستند که تأثیر عمده بر تولید دارند. به هر حال، در زمانی که ساختار سیاسی از سایر ساختارها عقب بماند، عصر التهاب و انقلابات اجتماعی است. این نکته را در ادبیات توسعه‌ای اصل «انقلاب» می‌نامند. اگر سایر ساختارها عقب مانده باشند، اصل «خمودگی» یا اتلاف منابع مطرح می‌شود.^۱

وی در مباحث تئوری اشاره می‌کند که اصول موضوعه علم اقتصاد در اوایل پیدایش

۱. محمد علی فروغی، همان، ص ۴۱.

آن، پی‌گیری نفع شخصی، رقابت در بازار و فقدان سلطه فنی بود، اما در دنیای جدید، برای کشورهای توسعه نیافته، باز هم پی‌گیری نفع شخصی وجود دارد. رقابت در بازار هست، ولی به جای فقدان سلطه فنی، وجود سلطه فنی اصل شده است، به عبارت دیگر، در مقابل کشوری مانند ایران، کشورهایی با سلطه فنی دوپست ساله و پانصد ساله قرار دارند بر این اساس که باید در بحث ضرورت و یا عدم ضرورت هدایت اقتصادی جامعه، دو نوع هدایت، یعنی هدایت ساختاری، و هدایت کوتاه مدت را از هم تمیز داد. وی بیان می‌کند در دنیای توسعه یافته، هدایت ساختاری (یعنی ساختار سازی در شرایط وجود سلطه فنی) غیر ضروری است و هدایت کوتاه مدت ضرورت دارد. در کشورهایی که توسعه صنعتی را به نهایت لازم نرسانده‌اند، هر دو نوع هدایت برای توسعه لازم می‌شود؛ یعنی هم هدایت ساختاری و هم هدایت کوتاه مدت، و اینجا است که هم آگاهی و علم به ضرورت هدایت، هم مبانی نظری و اطلاعات، ابزار مهم برای این هدایت لازم می‌شوند.^۱ بر این اساس است که به طور طبیعی نقش تازه‌ای به عهده نظام آموزش عالی و تحقیقات در کشورهای توسعه نیافته گذاشته می‌شود که همان نظریه پردازی و پرورش مکاتب تفکری است.

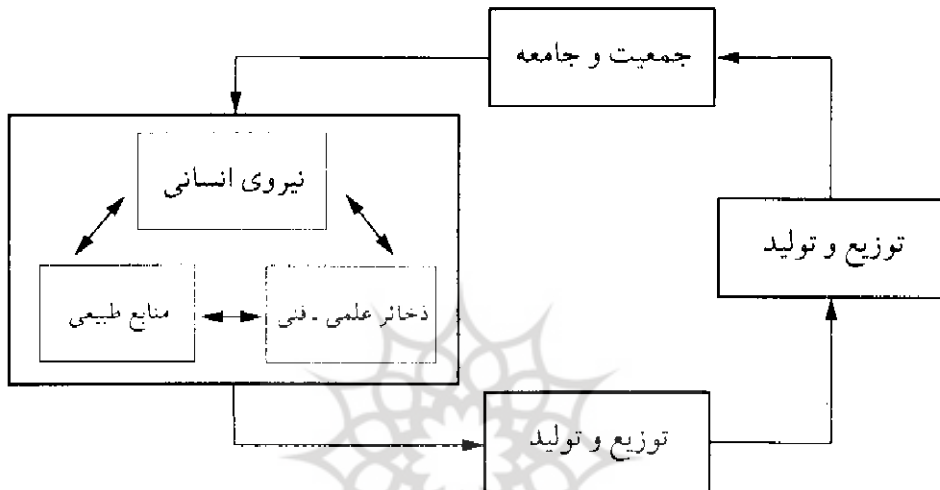
چرخه اصلی زندگی اقتصادی بشر

وی در کتاب مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چرخه اصلی زندگی اقتصادی بشر را مطرح و معتقد است مهم‌ترین ویژگی چرخه اقتصادی مورد بحث در دوران سنتی زندگی بشر در این نکته خلاصه می‌گردد که تولید در این دوران محدود است. برای درک محدودیت تولید در این دوران باید به سه محور اساسی آن، یعنی علم و فن، منابع طبیعی و نیروی انسانی توجه کرد. علم و فن در جامعه سنتی وجود دارد، ولی محدود است و منابع طبیعی در هر جامعه‌ای به تبع علم و فن تعریف می‌شود و هم چنین از نظر تولیدی، نیروی انسانی باید دارای ویژگی‌های زیر باشد تا قدرت تولیدی داشته باشد: ۱. انرژی؛ ۲. استقامت؛ ۳. انگیزه؛ ۴. دانش؛ ۵. مهارت.

به عبارت دیگر قدرت تولیدی انسان در فرایند تولید به این نکته وابسته است که این انسان تا چه حد دارای انرژی و استقامت است، تا چه حد دارای انگیزه کار و فعالیت

است، چه میزان دانش و شناخت نسبت به کار دارد، و چه مقدار مهارت برای کاربرد شناخت و دانش خود در صحنه تولید را دارا است.

دو ویژگی اخیر، یعنی دانش و مهارت را در محور علم و فن می‌توان بحث کرد، لذا بقیه ویژگی‌های تولیدی یک انسان همان انرژی، استقامت و انگیزه است.^۱



«چرخه اصلی زندگی اقتصادی بشر»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشکلات و تنگناهای اقتصادی موجود در ایران:

۱. عدم تحرک و پویایی در تولید کل و سرانه.
۲. ساختار نامناسب تولید.
۳. عدم تناسب سیاست‌های پولی و بانکی.
۴. مشکلات بنیادی‌تر در اقتصاد:
 - ۴-۱. عدم درک مباحث توسعه اقتصادی (فقدان استراتژی مناسب توسعه).
 - ۴-۲. ضعف شدید نظام آموزشی.

۱. حسین عظیمی، مدارهای توسعه‌یافتگی در اقتصاد ایران، ص ۱۸-۲۲.

۳-۴. مشکلات ناشی از وابستگی به خارج.

۴-۴. فقدان ثبات سیاسی در دهه‌های اخیر.

وی معتقد است مشکلات اساسی فوق به مشکلات مهم دیگر اقتصادی می‌انجامد.

اهم این مشکلات عبارتند از:

- کاهش نسبی تشکیل سرمایه.

- افزایش بیکاری (آشکار و پنهان).

- گسترش فقر.

- عقب ماندگی بیشتر بافت فنی تولید.^۱

استراتژی توسعه کشور

وی معتقد است استراتژی توسعه کشور را به تنهایی نمی‌توان طراحی کرد و بهتر است استراتژی‌های زیر در آینده مورد توجه قرار گیرد:

۱. جذب و به کارگیری نیروی انسانی متخصص؛

۲. جذب نیروی انسانی متخصص باید به معنای واقعی در جامعه به صورت یک

فرهنگ درآید، در نظام آموزشی باید بر کیفیت تأکید کرد؛

۳. سالم سازی بافت و ساختار فعالیت‌های دولتی؛

۴. محدود کردن موقت نقدینگی؛

۵. ایجاد تحرک در تولید از طریق تکیه کوتاه مدت بر بخش کشاورزی؛

۶. رفع فقر و محدودیت در شرایط فقر، مشارکت موثر مردم در فرایند توسعه ممکن

نیست و حل مشکل فقر در ایران ممکن است؛

۷. تمرکز زدایی از بافت ادارات اجرایی فعلی؛

۸. تکیه بر ایجاد و گسترش زیربناهای توسعه.

۹. کنترل نرخ رشد جمعیت.^۲

وی معتقد است که فرایند توسعه اقتصادی کشور، شکوفایی تولید، ایجاد اشتغال و

رفع فقر و محرومیت در گرو اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌ها است که اهم آنها به شرح

زیر است:

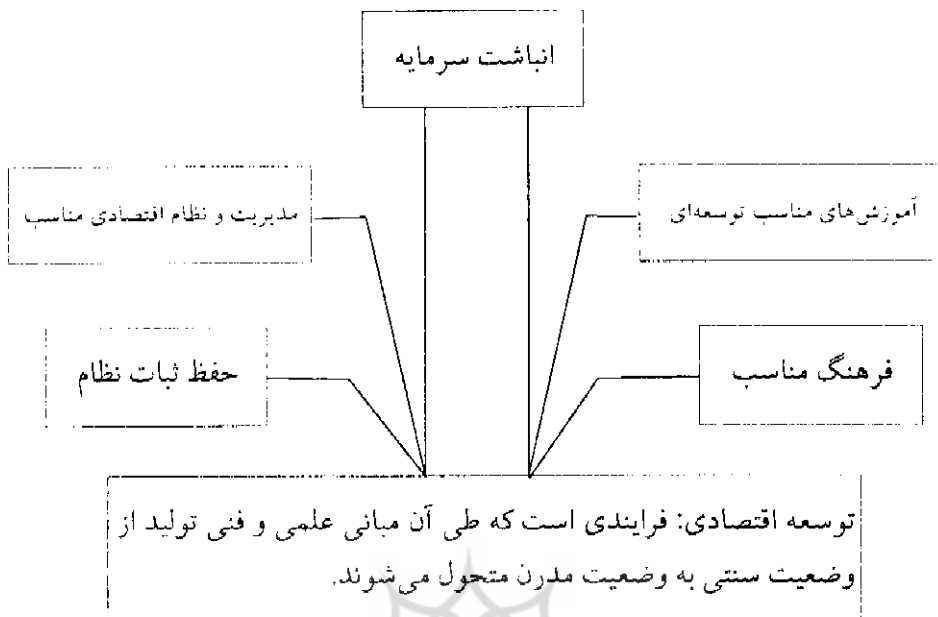
۲. همان، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۱. همان، ص ۸۸-۱۱۲.

۱. هدایت مؤثر اقتصاد جامعه توسط دولت و در جهت شکوفایی تولید با تکیه بر استفاده از تمامی منابع موجود.
۲. اتخاذ سیاست‌های لازم برای کنترل نقدینگی در کوتاه مدت و هدایت جامعه به طرف الگوی متعادل‌تر توزیع درآمد و ثروت در میان مدت.
۳. سرمایه‌گذاری وسیع دولت در امور تولیدی و زیربنایی و هدایت منابع بخش‌های غیر دولتی به این سرمایه‌گذاری‌ها.
۴. کنترل شدید بخش خدمات، به ویژه بازرگانی - داخلی و خارجی - از طرف دولت و ایجاد زمینه‌های وسیع‌تر و آزادی‌های بیشتر برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در زمینه‌های تولید کالا.
۵. تدوین و اجرای ضوابط دقیق کنترل کیفی سرمایه‌گذاری در بخش عمومی.
۶. تدوین اجرای مجموعه متناسب سیاست‌های کنترل و تثبیت قیمت مشتمل بر ادامه و تقویت نظام توزیع عادلانه کالا، تقویت واحدهای بزرگ بازرگانی تحت پوشش بخش عمومی، کارا و عادلانه نمودن نظام مالیاتی.
۷. حل مشکلات نظام اجرایی کشور (نظام اداری، بانکی، پولی، مالی و...).

توسعه اقتصادی از دیدگاه دکتر عظیمی

وی در بحث توسعه، فرهنگ و آموزش معتقد است توسعه اقتصادی «همان فرایندی است که باعث می‌شود تولید جامعه بر مبنای علمی و فنی نوین متکی شود و طی آن جامعه از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن متحول می‌شوند و اشاره می‌کند که درخت توسعه اقتصادی را اگر در نظر بگیریم، غذای آن آموزش مناسب، سرمایه تخصیص یافته به فعالیت‌های توسعه‌ای، ریشه آن فرهنگ مناسب است، تنه و شاخ و برگ آن نظام مناسب اقتصادی، حفظ ثبات نظام است، میوه درخت توسعه، برطرف شدن فقر و محرومیت، حصول استقلال و خود اتکایی، تأمین اقتصادی و اجتماعی برای مردم می‌داند.



«نمودار توسعه اقتصادی و عوامل آن»

به عقیده دکتر حسین عظیمی، باورهای مناسب فرهنگی عمده و اساسی لازم برای فرایند توسعه اقتصادی را می‌توان در چند مورد محدود زیر مطرح کرد:

۱. حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه؛
 ۲. باور فرهنگی به برابری انسان‌ها؛
 ۳. باور فرهنگی به لزوم احترام به حقوق دیگران؛
 ۴. باور فرهنگی به لزوم نظم‌پذیری جمعی؛
 ۵. باور فرهنگی به آزادی سیاسی؛
 ۶. باور فرهنگی به لزوم توجه معقول به دنیا و مسائل مادی مربوط آن و دوری از ریاضت و زهد نامعقول.^۱
- وی در خصوص رسیدن به وضعیت مطلوب توسعه اقتصادی موارد زیر را اشاره می‌کند:

۱. حسین عظیمی، مدارهای توسعه‌یافتگی در اقتصاد ایران، ص ۱۸۳-۱۸۸.

۱. توسعه اقتصادی مشکل همه ما است، بدون تحقق توسعه اقتصادی حل و فصل مشکلات جاری و روزمره کشور، مشکلاتی از قبیل بیکاری، سردرگمی، احساس نگرانی نسبت به آینده وابستگی به خارج و... مقدور نیست.
۲. تحقق توسعه اقتصادی درگرو تدوین و به کارگیری مجموعه‌ای از استراتژی‌های مناسب در حوزه‌های پنجگانه فرهنگ، آموزش تخصص، انباشت سرمایه، نظام اقتصادی مناسب و حفظ ثبات نظام است.
۳. در زمینه تحول مناسب فرهنگی، حداقل باید همه استراتژی اصلی در این زمینه را با جدیت پی‌گیری کرد و منابع انسانی و فرهنگی لازم برای تحقق حرکت در این مسیرها را تأمین نمود: تخصیص منابع کافی به جنبه‌های پرورشی، به ویژه در مدارس ابتدایی و راهنمایی، تأمین نیازهای اساسی زندگی و حیات اکثریت آحاد جامعه، و الگوسازی فرهنگی مناسب.
۴. همگان به ویژه آنان که از موهبت مادی و فرهنگی بهتر و موقعیت سیاسی بالاتر برخوردارند، باید پذیرای مسئولیت آماده سازی زمینه‌های این تحول فرهنگی باشند. در صورت پذیرش این مسئولیت است که می‌توان در انتظار آینده پرارزش تری برای خود و برای فرزندان این آب و خاک بود.^۱

نیاز و توسعه

نیازهای اقتصادی انسان متنوع است. افراد و گروه‌های انسانی نیز هر یک براساس نیازهایی که در یک مقطع خاص احساس می‌کنند به ارزیابی وضعیت اقتصادی خود می‌پردازند. طبیعی است که این نیازها یکسان و مشابه نیست، پس به این اعتبار می‌توان شناخت‌های متفاوت و ارزیابی‌های متنوع از وضعیت اقتصادی کشور در یک زمان خاص داشت. از طرفی می‌دانیم انسان از نظر اقتصادی می‌تواند دارای نقش‌های متفاوت زیر باشد:

وسیله و ابزار کار، مصرف کننده، توزیع کننده، مدیر، سرمایه‌گذار نوآور، دولت‌مرد کارشناس و... انسان‌ها در زندگی روزمره خویش در تمامی نقش‌های فوق قرار می‌گیرند و «همین نقش‌های متفاوت انسانی است که نیازهای عمومی و اقتصادی ما انسان‌ها را

مشخص می‌سازد. این نیازها را در سطحی بسیار کلی و کلان می‌توان در سه واژه «تأمین، امنیت و هویت» خلاصه کرد. به این اعتبار، همه ما نیازمندیم که از نظر اقتصادی در تأمین باشیم و نسبت به تأمین اقتصادی فعلی و آتی خود احساس امنیت کنیم و در نهایت نیازمند آنیم که در نقش عمده اقتصادی که بر عهده داریم، احساس شخصیتی مستقل و یگانه و قابل احترام نماییم. باید تأکید کنیم که همه ما از دیدگاه «هویتی» نیازمند احساس «یگانگی» هستیم.^۱ از منظر دکتر حسین عظیمی نیازهای اساسی اقتصادی ما عبارت‌اند از: درآمد، شغل، مالکیت، امنیت، عدالت، نوآوری و خلاقیت، احترام، قدرت، خدمت. برخی از ویژگی‌های اقتصادی جامعه ایران در آخر سال ۱۳۷۷:

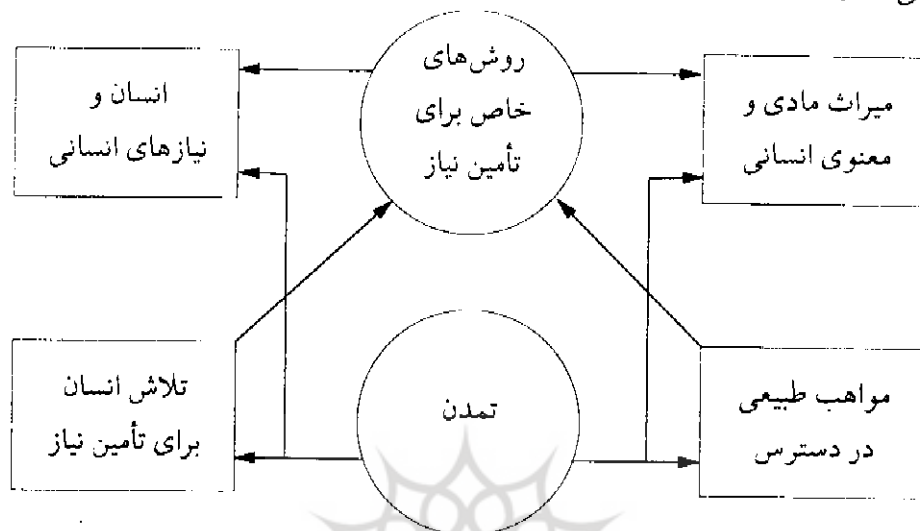
- رکود نسبتاً جدید؛
- رکود نسبتاً طولانی؛
- فقدان علائم شروع رونق و پایان رکود؛
- بودجه انقباضی دولت؛
- مشکل بازار و قیمت نفت صادراتی؛
- بیکاری کل حدود ۱۰ درصد؛
- بیکاری جوانان حدود ۳۰ درصد؛
- بحران شروع شونده بیکاری تحصیل کردگان؛
- فقدان مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی سنجیده.

توسعه و تمدن

وی در تعریف تمدن می‌گوید «تمدن مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی است که انسان‌ها در جهت شکوفا سازی یک اندیشه اساسی و در مسیر سامان دهی زندگی ایجاد می‌کنند. بدین صورت، تمدن مجموعه‌ای فراگیر از میان علمی - فنی - فرهنگ، روش‌های مادی و معنوی تأمین نیازهای معماری، شعر، وسایل ارتباطی، آشپزی و... است. وی معتقد است ظهور و زوال تمدن همراه با اندیشه و بصیرت اصلی آن شکل می‌گیرد، این تمدن بازوال آن اندیشه یا اندیشه‌ها سقوط می‌کند و اضافه می‌کند هر تمدن در طی زمان و در جریان شکوفایی خود، نهادها و زیرساخت‌های اصلی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و علمی متناسب خود را ایجاد می‌کند.

۱. حسین عظیمی، ایران امروز در آینه مباحث توسعه، ص ۵.

وی در بحث ایجاد و حذف نهادها و زیرساخت‌های لازم در یک تمدن می‌گوید «در جریان زوال و سقوط یک تمدن، نهادهای فکری و معنوی آن به صورت خرافات جلوه می‌کند و نهادهای مادی آن عموماً به صورت آثار تاریخی و موزه‌ای درمی‌آید»^۱.



«نمودار تمدن و مؤلفه‌های اصلی ایجادکننده آن»

در خصوص نهادسازی در یک تمدن می‌گوید «هر تمدن متکی بر یک اندیشه و بصیرت اساسی است، ولی تنها آن اندیشه و بصیرت کارساز نیست، باید نهادهایی در جامعه ایجاد شوند که اجازه دهند ظرفیت آن تمدن عملاً در اختیار مردم قرار گیرد؛ یعنی باید نهادهایی متناسب در فرهنگ، سیاست، مسائل اجتماعی، اقتصادی و علمی ایجاد شوند تا بتواند آن اندیشه را شکوفا کند و جامعه از آن ظرفیت بهره‌بردار»^۲.

فرایند توسعه

ایشان معتقد است در جریان شکوفایی یک تمدن تازه به زیرساخت‌ها و نهادهای تمدن قدیم، با اندیشه و بصیرت تمدن جدید در تقابل و در تعارض قرار می‌گیرند. در واقع می‌توان گفت «فرایند توسعه» فرایند تقابل و تعارض نهادها و زیرساخت‌های تمدن قدیم با اندیشه و بصیرت تمدن جدید است. مشروط به اینکه این تقابل و تعارض

۲. همان، ص ۳۵.

۱. همان، ص ۳۵.

در مسیر سازندگی تمدن جدید و تازه باشد. اضافه می‌کند در فرایند تقابل و تعارض اجباری نهادها و زیرساخت‌های تمدن قدیم با اندیشه و بصیرت تمدن جدید اگر مسیر حرکت در جهت حفظ تمدن منسوخ شده باشد، الزاماً جامعه در فرایند اضمحلال قرار خواهد گرفت.^۱

توسعه فرایندی است که طی باورهای فرهنگی، نهادهای اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده جدید شوند و طی این فرایند، سطح رفاه جامعه ارتقا می‌یابد.

«فرایند توسعه، تحول در نهادهای مختلف و ارتقای سطح رفاه»

بنابراین، توسعه عبارت است از بازسازی کامل یک جامعه، به ویژه از دیدگاه ایجاد نهادهای تازه‌ای که متناسب با بصیرت و اندیشه‌های مهم جدید باشند. در جریان این بازسازی و این نهادسازی جدید، تمدنی تازه ایجاد می‌شود و نتیجه حاصله، جامعه‌ای توسعه یافته است. پس اگر کشوری کمتر توسعه یافته باشد به این معنا است که کشور نتوانسته به اندازه کفایت نهادهای اصلی زندگی خود را متناسب با اندیشه و بصیرت عصر خود نماید. البته این نکته را هم تأکید می‌کنیم که فقط ساختن نهادهای جدید کافی نیست، باید این نهادها آن چنان در فضای فرهنگی جامعه تلفیق شوند که مورد احترام همگان قرار گیرند، مورد قبول و اعتماد اکثریت مردم باشند، کسی به خود اجازه ندهد به صورت سلیقه‌ای با این نهادها بازی کند و... و بدین صورت این نهادها ثبات می‌یابند، استمرار پیدا می‌کنند و دارای کارایی می‌شوند، در این صورت تمدن جدید به بلوغ خود می‌رسد و امکان پیدا می‌کند که نیازهای مادی و معنوی مردم را در حد انتظار آنها تأمین کند.^۲

اساس توسعه همان سرمایه انسانی است. پس کشورهایی که مشکل دارند باید مشکل را در این حوزه جست‌وجو کنند و راه حل را در همین حوزه بیابند.

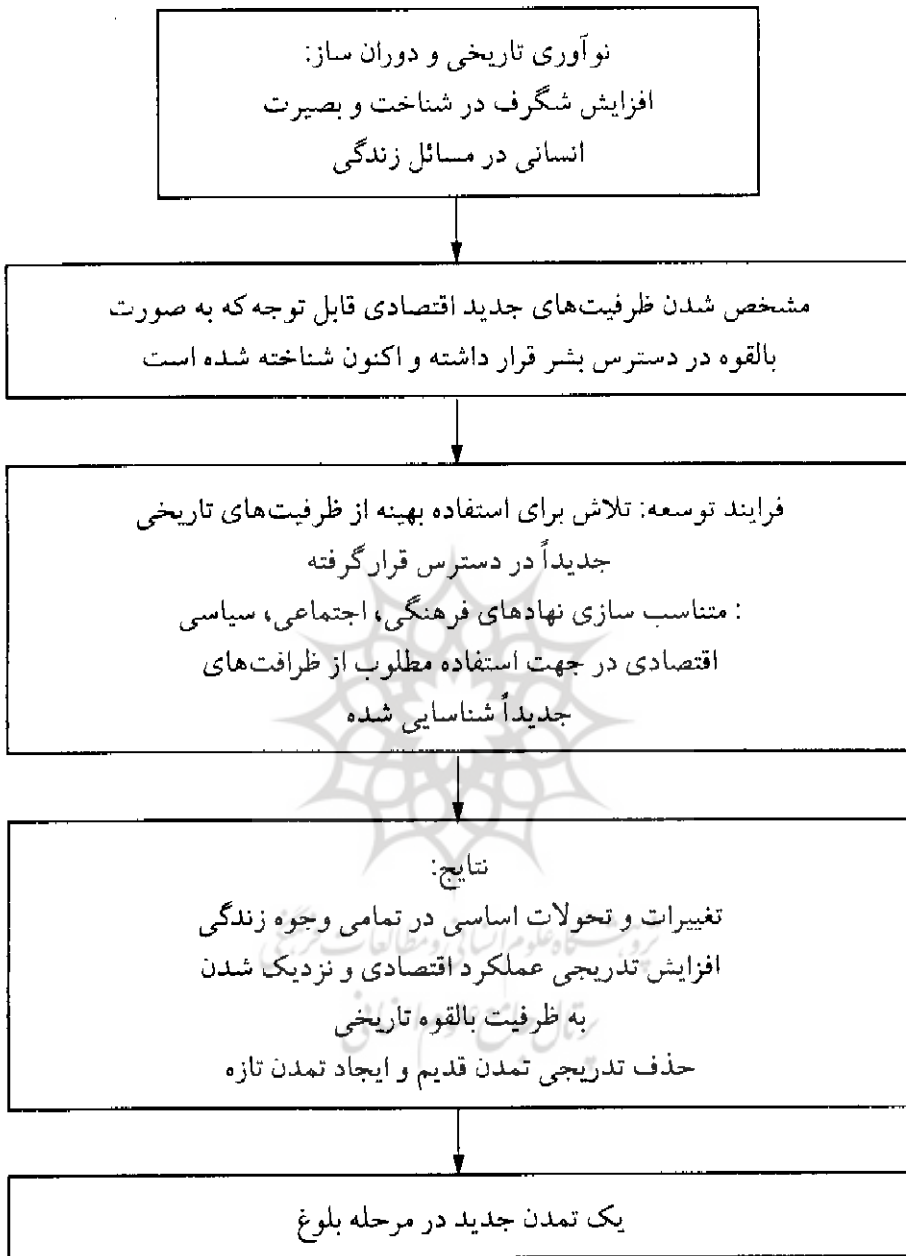
۱. همان، ص ۴۳-۴۱.

۲. همان، ص ۴۵.

اساس توسعه: همان سرمایه انسانی است پس کشورهایی که مشکل دارند باید مشکل را در این حوزه جست‌وجو کنند و راه حل را در همین حوزه بیابند.

از دیدگاه ایدئولوژیک	- برابری - آزادی - اصالت فرد - هویت یگانه
از دیدگاه معرفت‌شناسی	- مجهز به دانش تجربی علم
از دیدگاه تخصص‌های تولیدی	- مجهز به دانش فنی و آموزش‌های متکی بر علم
از دیدگاه اقتصادی	- مجهز به زیرساخت‌های فیزیکی قوی - شرکت‌های بزرگ سرمایه‌گذاری - ماشین‌آلات گسترده تولیدی - قدرت خلاقیت نوآوران

«نگرش به انسان در تمدن جدید صنعتی جهانی از جنبه‌های مختلف»



«نوآوری تاریخی، فرایند توسعه، استفاده از ظرفیت‌ها، و بلوغ یک تمدن»

نهادهای پانزده گانه توسعه

بحثی که در خصوص نهادهای اصلی مطرح است، اینکه چه نهادهایی را باید متناسب کنیم تا بتوانیم از درصد بالاتری از ظرفیت جامعه استفاده کنیم و مشکلات کشور و مردم را در زمینه اقتصادی حل و فصل نماییم؟ دکتر حسین عظیمی بیان می‌کند ما باید تلاش کنیم نهادهای تأمین کننده، تحکیم کننده و تضمین کننده این اندیشه را در جامعه بیاییم و ببینیم که چگونه می‌توان آنها را تقویت کرد. این اندیشه‌ها کدام‌اند؟ و برخی از اندیشه‌ها و اعتقادات در دنیای قدیم و در دنیای جدید (تمدن قبلی - تمدن فعلی) را بیان می‌کند که در ضمیمه نمودار آن می‌آید.

نهادهای اصلی و مهم توسعه عبارتند از:

۱. دموکراسی

اولین نهاد، نهاد حکومتی است، نهاد حکومتی تمدن جدید متکی بر دموکراسی است. اساس دموکراسی بسیار ساده است. دموکراسی نظامی است که در گام نخست مشروعیت علم در امور واقع در حوزه علم را پذیرفته است. در نظام دموکراسی پذیرفته می‌شود که تصمیمی که علم می‌تواند بگیرد، هیچ کس در هیچ جا حق ندارد دخالت کند، مجلس حق ندارد در تصمیمات علمی دخالت کند و سایر ارگان‌ها هم به همین گونه. در واقع از منظر وی دموکراسی یعنی:

۱. پذیرش مشروعیت علم در امور علمی؛ ۲. پذیرش آرای عمومی در امور غیر علمی

در نتیجه ویژگی‌های اصلی توسعه لازم نهاد حکومتی متکی بر دموکراسی عبارت است از:

- مشروعیت علم در امور علمی؛ - مشروعیت آرای عمومی در امور غیر علمی؛ - محدودیت دخالت‌های محدود؛ - عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها؛ - مشارکت خلاق، واقعی و شکوفای مردم.

۲. نهاد قضایی

دومین ساختار و نهادی که باید در زمینه تضمین شکوفایی اندیشه و بصیرت تمدن

جدید، یعنی توسعه کشور مورد توجه خاص قرار گیرد، نهاد و ساختار قضایی کشور است.

ایشان اشاره می‌کند ساختار قضایی باید بر اساس این مفاهیم شکل گیرد و عمل کند:

۱. نظام قضایی باید مستقل از مسائل سیاسی باشد؛
۲. نظام قضایی باید قدرتمند باشد؛
۳. نظام قضایی باید کارا باشد؛
۴. نظام قضایی باید سریع باشد؛
۵. نظام قضایی باید قانونمند باشد؛
۶. نظام قضایی باید در دسترس عموم باشد؛
۷. نظام قضایی باید خدمات خود را به قیمت ارزان یا رایگان ارائه کند.

وی هم چنین اشاره می‌کند اگر نظام قضایی در هر یک از این زمینه‌ها دچار اشکال باشد، حصول به تمدن جدید و استفاده از ظرفیت‌های کشور دچار مشکل می‌شود و الگوی توسعه نامناسب می‌شود.

۳. رسانه‌های جمعی

سومین نهاد تضمین‌کننده شکوفایی خلاقیت سرمایه انسانی و توسعه، نهاد رسانه‌های جمعی است که باید حداقل دارای سه ویژگی اصلی، استقلال، تنوع و فراگیری باشد. باید ببینیم که آیا واقعاً رسانه‌های جمعی ما مستقل از دولت هستند؟ آیا تنوع کافی دارند؟ و آیا پوشش کافی دارند؟ وی اشاره می‌کند مثلاً اگر مجله یا روزنامه، رادیو و یا شبکه‌ای تلویزیونی داشته باشیم که مدافع منافع صاحبان صنعت یا مدافع منافع مصرف‌کنندگان یا مدافع منافع صادرکنندگان، یا واردکنندگان یا شهرنشینان، یا روستاییان و... باشد، این نوع رسانه ظاهراً رسانه بدی است، در حالی که واقعیت درست عکس آن است، کشور باید رسانه‌های ملی داشته باشد، ولی ضمناً لازم است که رسانه‌های گروهی و مدافع گروه‌های خاص هم داشته باشد. رسانه‌ها طبق آنچه در قانون اساسی آمده است، باید آزاد باشند، که عقاید و آرای مختلف را مطرح نمایند، بدون اینکه اخلاقی در نظم عمومی جامعه به وجود آورند، بتوانند نظرگاه‌های مختلف را تبیین کنند. منابع مالی آنها نباید به طور مستقیم و یا غیرمستقیم وابسته به دولت باشد و... به هر حال رسانه‌های جمعی مستقل، متنوع و فراگیر، از ضرورت‌های توسعه جامعه‌اند.

۴. دانشگاه و آموزش عالی

نهاد چهارم، نهاد دانشگاه و آموزش عالی است. در اینجا هم باید چند ویژگی اصلی در این نهاد وجود داشته باشد که عبارت‌اند از: استقلال، اعتبار و در دسترس بودن برای صاحبان استعداد.

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم این است که باید اداره دانشگاه‌ها مستقل از دولت و در اختیار برگزیدگان هیئت علمی دانشگاه باشد؛ یعنی باید دانشگاه، استاد خود را براساس صلاحیت علمی و دانشجوی خود را بر اساس صلاحیت و استعداد آموزشی انتخاب کند. اساتید دانشگاه باید مدیران و رؤسای دانشگاه را انتخاب کنند.

بودجه دانشگاه باید مستقل از تصمیم‌گیری دولت باشد. دولت‌ها براساس نیاز کشور باید در حد امکان مالی خود شهریه دانشجویان، به ویژه دانشجویان با بینه مالی ضعیف و استعداد خوب را به دانشگاه بپردازند.

خلاصه اینکه نهاد دانشگاهی نیز باید مستقل از دولت، معتبر و در دسترس استعدادهای درخشان جامعه باشد و گرنه بخشی از ظرفیت‌های جامعه عاطل خواهد بود.

۵. احزاب سیاسی

پنجمین نهاد، احزاب سیاسی است که ویژگی‌های اصلی توسعه لازم این نهاد اینکه مستقل از دولت، متنوع و فراگیر، نه اینکه به محض تأسیس وابسته به دولت شوند، و ویژگی دیگر اینکه محل پرورش نوآوران سیاسی (سیاست‌مداران خبره) باشد. وی تأکید می‌کند نوآوران سیاسی که سرنوشت اقتصادی جامعه تا حد زیادی به آنها وابسته است محل و مؤسسه پرورش می‌خواهند. دنیا تا امروز محل پرورش آنها را تنها در احزاب یافته، یعنی اگر احزاب سیاسی نداشته باشید، بی‌تعارف سیاست‌گذار مورد انتظار را نخواهید داشت، با توجه به فقدان این احزاب در کشور است که ما به صورت سیستماتیک نوآوران سیاسی پرورش نمی‌دهیم، لذا بخشی از ظرفیت جامعه تلف می‌شود و عاطل می‌ماند.

۶. نهاد مؤسسات نظریه‌پردازی، مجامع علمی و مؤسسات تحقیقی

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم برای این نهاد، مستقل از دولت، متنوع، آزاد و فقط محدود

به حدود علم، محل پرورش دانشمندان باشد. وی بیان می‌کند در ایران ما مکتب فکری نداریم، مکتب فکری به این معنا که باید در مکاتب اجتماعی، مکتب فکری به وجود آید. منظور از نهاد نظریه‌پردازی جایی است که خبرگان شناخته شده کشور تحقیقاتی می‌کنند که پشتیبان تصمیم‌گیری کلان است. ممکن است چنین نهادی سازمان غیردولتی باشد یا به صورت خیریه اداره شود.

ایشان اشاره می‌کند در دنیا نظریه‌پردازی رواج دارد، مثلاً در آکسفورد متشکل از ۳۰ کالج است، مشهور بود که در یکی از این کالج، تعداد اساتید بیش از تعداد دانشجویان است و مشهور بود که عمده سیاست‌های دولت انگلیس در جلسات غیررسمی این کالج شکل می‌گیرد. اکثر استادان این کالج فول پروفیسور و استاد تمام بودند یا کسانی بودند که کاندیدای جایزه نوبل بودند یا کسانی بودند که اختیارات فوق‌العاده بالایی داشتند.

۷. مؤسسات پژوهش‌های کاربردی

ویژگی‌های اصلی توسعه‌ای لازم در این نهاد، مستقل از دولت، متنوع، فراگیر، محل پرورش نوآوران فنی (مخترعین) است. ایشان اشاره می‌کند در جامعه ایران، اصلاً سازمان تربیت‌کننده این مؤسسات وجود ندارد و طبیعی است که ما در این زمینه‌ها نوآور نداریم و این کار را نمی‌توان به تصادف واگذار کرد، اینکه گاهی به طور تصادف نوآور فنی پیدا می‌کنیم و نوآور فنی، ثروتمند نیست که دفعتاً به دست بیاید.

۸. ساختار بودجه دولت

وی معتقد است یکی از نهادی که در ایران در الگوی توسعه کشور مورد توجه قرار نمی‌گیرد، همین نهاد است و هم‌چنین اشاره می‌کند امروزه بودجه دولت بایستی متکی بر فعالیت اقتصادی مردم باشد، نه زندگی مردم متکی به بودجه دولت. اضافه می‌کند در ایران باید بیندیشیم که چگونه می‌توانیم هم از بخش نفت استفاده معقول ببریم، که باید ببریم؛ زیرا اولاً: از مواهب طبیعی ما است و ثانیاً: پیوند بخش نفت با بودجه دولت قطع شود.

در واقع ساختار بودجه باید متکی شود بر تولید اقتصادی جامعه و در حقیقت کار مردم. دکتر عظیمی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید ما بر اساس ضوابط فنی به

نهادهای و سازمان‌هایمان فکر کنیم و نه بر اساس داستان‌های ارزشی.

نهاد بسیار مهم دیگر مجلس است. مجلس نهادی است که اگر ضوابط فنی در آن رعایت نشود مشکلات اساسی گریبان ما را خواهد گرفت. اولین ضابطه فنی این است که لویحی که به مجلس می‌آید حداقل باید شش گزارش توجیهی داشته باشد، همه مجالس پیشرفته چنین‌اند. من می‌پرسم کدام لایحه با شش گزارش توجیهی به مجلس تقدیم می‌شود. سال‌ها است که دیگر من از نزدیک با این لویح درگیر نیستم، ولی یادم می‌آید که در سازمان برنامه قدیم یک لایحه بسیار قطور راجع به مالیات بر ارزش افزوده برای نظرخواهی آمده بود، فکر کردم حتماً گزارش‌های توجیهی هم دارد، باز کردم دیدم فقط به اندازه نصف صفحه گزارش توجیهی دارد و بقیه آن تبصره‌ها است. فکر کردم اشتباه شده، زنگ زدیم به دوستان در وزارتخانه، گفتند گزارشات توجیهی همین است و بس، محاسبه کردم دیدم آن لایحه اولیه اگر بخواهد اجرا شود به اندازه کل کتاب‌های درسی ایران فقط فاکتور باید صادر شود. من دیگر بقیه لایحه را مطالعه نکردم و در پاسخ نوشتم که چنین چیزی غیرممکن است، پس روی آن فکر نکنید، اما در کشورهای خارجی لویح معمولاً همراه با شش گزارش توجیهی تقدیم می‌شود.

یکی گزارش توجیهی اجرایی، به این معنا که بدون توجه به این که ایده لایحه خوب است یا بد، فقط این سؤال مطرح می‌شود که آیا قابل اجرا است؟

توجیه دوم، توجیه فنی است که اصلاً ربطی به خوبی و بدی ایده‌ای ندارد که نماینده مجلس باید در مورد آن تصمیم بگیرد، در توجیه فنی برای مثال از نظر حقوقی سؤال می‌شود که آیا این اصطلاحات به کار گرفته شده حقوقی است؟ آیا قابل تعبیر و تفسیر است؟ قوانینی که منسوخ شده کدام‌ها هستند؟

توجیه سوم، گزارش توجیه مالی است. در توجیه مالی این سؤال مطرح می‌شود که لایحه مذکور چقدر برای دولت خرج دارد؟ چقدر درآمد ایجاد خواهد کرد؟

توجیه چهارم، توجیه اقتصادی است، یعنی از دید متغیرهای اقتصادی اصلی، تولید سرانه، بیکاری، صادرات، ارز و مقولاتی از این قبیل که غیر از مقولات مالی است. در گزارش اقتصادی این سؤال مطرح می‌شود که لایحه در صورت تصویب چه اثری روی متغیرهای اقتصادی دارد.

گزارش پنجم، توجیه اجتماعی است، چون هر لایحه‌ای اگر قانون شود الزاماً گره

هایی در جامعه از آن سود می‌برند و گروه‌های دیگر زیان می‌بینند، این لایحه تجزیه و تحلیل می‌کند که کدام گروه چه مقدار سود و چگونه سود می‌برند و ساختار اجتماعی جامعه با این لایحه تغییر خواهد کرد یا نه؟

در نهایت گزارش توجیهی سیاسی است. به عبارت دیگر بحث می‌کند که ساختار سیاسی جامعه تحت این لایحه تا چه اندازه تغییر می‌کند و البته ممکن است جنبه سیاسی یک لایحه کمتر باشد یا بیشتر. به هر حال معمولاً وقتی یک لایحه به مجلس می‌آید باید اگر مثلاً دو صفحه باشد به اندازه ۵۰ صفحه توجیهاش داشته باشد تا ابعاد مسئله روشن شود، ولی متأسفانه وقتی به لوایح نگاه می‌کنیم می‌بینیم که به مفهوم توجیه توجه نمی‌کنند و این اتفاقاتی که در مجلس ما می‌افتد و هزارتا مسئله دیگر به این مشکل برمی‌گردد.^۱

۹. نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم در این قسم از نهاد عبارتند از: فراگیر، در ارتباط مستقیم با بافت اقتصادی جامعه، محل عرضه نیروی انسانی ماهر باشد.

۱۰. مجامع و تشکیلات صنعتی - تولیدی شرکت‌های سرمایه‌گذاری

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم این نهاد، توسعه مستقل از دولت، متنوع، دارای قدرت، محل پرورش نوآوران اقتصادی باشد.

۱۱. نظام آموزش عمومی

نظام آموزش و پرورش عمومی ایران نهاد یازدهم است که ویژگی‌هایش باید، فراگیری، متکی بودن بر پرورش انسان‌های نو و اجتماعی کردن انسان‌ها باشد، وی معتقد است نگرش‌های حاکم بر آموزش‌های ایران نادرست است. وظیفه مدارس پایه در جریان توسعه، اجتماعی کردن انسان‌ها است. وظیفه آنها این است که به انسان بیاموزند یک دوران جدید وجود دارد که علم و آزادی مبنای آن است.

۱. حسین عظیمی، سخنرانی تحت عنوان اقتصاددان نهادگرا، روزنامه مهنه‌ری، ۱۳۸۲/۲/۲۴، ص ۱۲ و ۱۸.

۱۲. زیرساخت‌های اقتصادی

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم در این نهاد، اینکه شبکه بانکی گسترده، بازار سرمایه، مهار منابع آب و خاک، شبکه تأمین انرژی، تجهیزات وسیع تولیدی، پذیرفته بودن پی‌گیری سود در امور اقتصادی از جمله ویژگی‌های این نهاد محسوب می‌شود.

۱۳. زیرساخت‌های اجتماعی

ویژگی‌های اصلی توسعه لازم این نهاد، نظام حمایت‌های اجتماعی معقول و فراگیر، نظام بیمه‌های اجتماعی فراگیر، نظام بیمه‌های فردی فراگیر می‌باشد.

۱۴. نظام پیوستگی اقتصاد در جهان

ویژگی‌های اصلی توسعه‌ای لازم این نهاد عبارتند از:

- عضویت مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی؛
- نظام گمرکی نسبتاً باز؛
- نظام حمایت‌های اقتصادی متناسب.

۱۵. نظام تشنج زدایی از روابط خارجی

ویژگی‌های اصلی این نهاد:

- سیاست خارجی معقول؛
- نیروهای دفاعی کافی؛
- اتحادیه‌ها و پیوندهای منطقه‌ای اقتصادی قوی؛
- پیوندهای فرهنگی گسترده.^۱

محورهای اصلاحی نهادها

ضمناً دکتر عظیمی در اصلاح این نهادها معتقدند که باید محورهای زیر مورد توجه ویژه باشند:

۱. تقویت مبانی علمی و فنی؛
۲. گسترش مشارکت و تقویت جامعه مدنی؛

۱. حسین عظیمی، ایران در آینه مباحث توسعه، ص ۵۸-۸۷.

۳. تقویت نگرش علمی در مدیریت و اجرا؛
۴. تغییر نگرش به بازار و قیمت‌ها؛
۵. اصلاح اساسی در سیاست خارجی و نهایتاً علم باوری؛
۶. مشارکت علم و فن؛
۷. محیط آرام و مطمئن که در گرو تشنج‌زدایی از روابط خارجی است؛
۸. تقویت رشته‌های پیوستگی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی با همسایگان و البته نیروهای دفاعی قابل اتکا.

نقد و بررسی نهایی

دکتر حسین عظیمی در چند نوشتار خود پیرامون توسعه نیافتگی ایران به تأثیر توسعه جوامع صنعتی بر جوامع دیگر اشاره می‌کند. وی در زمینه توسعه ایران معتقد است به تمدن صنعتی فکر کنیم تا به شرق و غرب، بایستی قانونمندی‌هایی را دریابیم و بر اساس شرایط، روش‌های سر و سامان دادن به تمدن خودمان را پیدا کنیم، او معتقد بود که ما بایستی الگوی توسعه خودمان را طراحی نماییم و این از جمله نکات بسیار جالب ایشان است که به بُعد توسعه دروازا توجه خاصی دارد، البته تمام جوانب را مطرح نمی‌کند، تأکید بر بعد فرهنگ توسعه نیافتگی ایران دارد و معتقد بود بایستی خود اتکا باشیم که برخورد علمی را به درون جامعه برده و به اصالت انسان‌های خودمان اهمیت بدهیم. به اعتقاد او افزایش میزان رشد جمعیت و تحول ساختار سنتی تولید اقتصادی و در نتیجه به هم خوردن تعادل معیشتی این جوامع به افزایش حجم فقر، بیکاری پنهان، نیازهای آموزشی و بهداشتی منجر به وابستگی می‌شود و مدار بسته توسعه نیافتگی جوامع را کامل می‌کند.

جنبه‌های مثبت دیدگاه دکتر عظیمی

۱. فروتنی و سخت‌کوشی دکتر عظیمی برای توسعه علمی کشور سرمشق و مثال زدنی است و دغدغه‌های ایشان، تلاش در جهت توسعه متوازن کشور بوده و معتقد بود نظام اقتصادی باید به سوی توسعه عدالت اجتماعی حرکت کند.
۲. به برنامه‌های توسعه درون‌زا معتقد بود.

۳. ایشان معتقد بودند که برای وصول به غایت توسعه پایدار، در مرحله اول باید چالش‌ها و موانع فراروی توسعه در هر زمینه مشخص شود و سپس برنامه‌های اجرایی متناسب با آنها تنظیم، تصویب و پیاده شود.
۴. وی چالش‌های جامعه ایران را با تأکید بر اقتصاد مطرح کرد.
۵. دکتر حسین عظیمی نشان داد که ذهنی فوق‌العاده سیستماتیک دارد و موضوع و دغدغه اصلی ایشان توسعه نیافتگی ایران و مدارهای توسعه نیافتگی بود.
۶. دکتر عظیمی کاهش فقر و توزیع عادلانه درآمد را نشان توسعه پایدار می‌دانست.
۷. گرایش به توسعه اجتماعی او را از شوکینزگرایان جدا می‌کند، از این جهت به نقش دولت در ایفای عدالت اجتماعی اهمیت می‌داد و اعتقاد داشت برخی مداخله‌های دولت می‌تواند اقتصاد را متحول کند و معتقد بود افتخار توسعه یافتگی نصیب دولت‌ها است، باید علت عقب‌ماندگی را نیز در آنجا جست‌وجو کرد.

نکته قابل تأمل

تأکید وی بر فرهنگ و تغییر آن به عنوان بنیان توسعه دیده می‌شد و بنابر اهمیت فرهنگی خود، صرفاً به نقش مؤثر عوامل فرهنگی در توسعه پرداخته است. و توجه محض به عوامل فرهنگی سبب شده که تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی. شاید به تعبیری بتوان گفت که باید حفظ هویت فرهنگی و تقویت عوامل مثبت در باورهای مردم، و تلاش در جهت ایجاد مبانی لازم جهت خلق علوم و تکنولوژی مدرن در داخل کشور، به تدریج کلیه مشکلات توسعه نیافتگی از میان می‌رود، ولی مسئله حساسیت زمان و لزوم طی دوران‌گذار در کوتاه‌ترین زمان ممکن مطرح است و از این رو توجه به عوامل اجتماعی مؤثر در روند توسعه و هم‌چنین به هر دو بعد توسعه درون‌زا و برون‌زا و همه جانبه و توجه به ساختار و کارکرد جامعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جغرافیایی، سیاسی و مدیریتی) ضرورت می‌یابد.

نتیجه‌گیری

توجه اصلی دکتر حسین عظیمی، خردورزی و اندیشه‌ورزی در خصوص توسعه ایران بود. و از منظر ایشان «توسعه فرایندی است که طی آن باورهای فرهنگی، نهادهای

اجتماعی، نهادهای اقتصادی و نهادهای سیاسی به صورت بنیادی متحول می‌شوند تا متناسب با ظرفیت‌های شناخته شده جدید شوند و طی این فرآیند، سطح رفاه جامعه ارتقا می‌یابد. بر این اساس وی «عصاره و جوهر» را متکی «بر مبانی علمی و فنی نوین بشری» ارزیابی کرده و در عرصه اقتصادی مدعی است «جامعه توسعه یافته جامعه‌ای است که اساساً برای تولید به مبانی می‌اندیشد و جامعه توسعه نیافته هنوز توان این کار را پیدا نکرده است، لذا از این دیدگاه درخت توسعه اقتصادی بر ریشه‌ای کار آمد، یعنی فرهنگ مناسب استوار است.

دکتر حسین عظیمی از دو مسیر اصلی قابل تصور برای پیمودن فرآیند توسعه، یعنی محوریت تحول فرهنگی (حکومت اندیشه و کلام) و محوریت تحول فیزیکی (حکومت سرمایه) محور اندیشه، یعنی تحول فرهنگی را مقدم می‌داند و در زمینه اهمیت باورها و ارزش‌ها در فرآیند توسعه می‌نویسد: یک تمدن با یک یا چند اندیشه (بصیرت) اساسی شکل می‌گیرد. این تمدن، با زوال آن اندیشه یا اندیشه‌ها سقوط می‌کند و نیز هر تمدن بر اساس اندیشه و بصیرت اصلی آن دارای ظرفیت خاصی است و نمی‌توان از ظرفیت اصلی اندیشه‌های خود تجاوز کند.

وی در این رویکرد باورهای مناسب فرهنگی عمده و اساسی و لازم برای فرآیند توسعه اقتصادی را این‌گونه برمی‌شمارد: «حاکمیت نگرش علمی بر باورهای فرهنگی جامعه، باور فرهنگی به برابری انسان‌ها، باور فرهنگی به لزوم احترام به حقوق دیگران، باور فرهنگی به آزادی سیاسی، باور فرهنگی به لزوم توجه معقول به دنیا و مسائل مادی مربوط به آن و دوری از ریاضت و زهد نامعقول».

هم‌چنین وی تأکید داشت: «در زمینه تحول مناسب فرهنگی، حداقل سه استراتژی اصلی در این زمینه را باید با جدیت پی‌گیری کرد و منابع انسانی و فرهنگی لازم برای تحقق حرکت در این مسیرها را تأمین نمود: تخصیص منابع کافی به جنبه‌های پرورشی، به‌ویژه در مدارس ابتدایی و راهنمایی، تأمین نیازهای اساسی زندگی و حیات اکثریت جامعه و الگوسازی فرهنگی مناسب، از نظر دکتر عظیمی نهادها و ساختارهای سازمانی تأمین‌کننده، تحکیم‌کننده، شکوفاساز تمدن و لازم برای توسعه ایران در مقطع فعلی باید دارای ۱۵ نهاد با ویژگی‌های اصلی توسعه لازم را دارا باشند که به آن در متن مقاله اشاره شده است.

آثار علمی دکتر حسین عظیمی

۱. عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
۲. —، راهنمایی بر بحران در ثوری اقتصادی معاصر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
۳. —، ایران امروز در آینه مباحث توسعه (برای حل بحران کوتاه و بلند مدت اقتصادی کشور چه می‌توان کرد) تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۴. لیونیگیتون، آرتور، ترجمه حسین عظیمی، سیاست اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، تهران، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات، ۱۳۶۸.
۵. —، اندیشه توسعه و برنامه‌ریزی در ایران، تهران، مجموعه مقالات همایش پنجاه سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران، سازمان برنامه و بودجه، ج ۱، ۱۳۷۸.
۶. —، دیدگاهی از نظریه توسعه، نشریه جهاد.
۷. —، توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، (گفتگو با دکتر حسین عظیمی)، نشریه راه نو، شماره ۱۸.
۸. —، دین، فرهنگ و توسعه، کتاب توسعه، نشر توسعه، شماره ۴.
۹. —، لزوم تعریفی درباره غرب صنعتی، ما و غرب، گردآورندگان حسین اشکوری و همکاران، تهران، انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۷۶.
۱۰. —، دورنمای بازار نفت و آینده اقتصاد ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مهرماه ۱۳۶۵.
۱۱. —، نقش دولت در حمایت از صنایع کشور، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۱۳۷۰.
۱۲. —، توسعه صنعتی و فرهنگ خاص آن در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، اسفند ۱۳۶۴.
۱۳. —، کتاب آگاه توزیع زمین و درآمد کشاورزی در آستانه اصلاحات ارضی، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۱.
۱۴. —، توسعه اقتصادی و سیاست اقتصادی کشاورزی، شماره ۲۷، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی.

۱۵. —، ظرفیت تولید و عوامل اصلی آن در بخش کشاورزی، ۲۹ تیرماه ۱۳۶۵، سازمان برنامه و بودجه.
۱۶. —، ظرفیت مالیاتی در بخش خدماتی غیردولتی، سازمان برنامه و بودجه، مهرماه ۱۳۶۵.
۱۷. —، تحلیلی از پدیده تورم، سازمان برنامه و بودجه، شهریور ۱۳۶۳.
۱۸. —، تحلیلی از تحول بودجه عمومی کشور طی سال‌های ۶۴-۱۳۵۰، آذر ۱۳۶۳، سازمان برنامه و بودجه.
۱۹. —، بودجه و توسعه اقتصادی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره پنجم، ۱۳۶۶.
۲۰. —، توسعه، فرهنگ و آموزش، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۸، مهر و آبان ۱۳۶۹.
۲۱. —، کتاب، آگاه (مسائل ایران و خاورمیانه) مقاله نیازهای اساسی جمعیت کشور از زبان آمار و ارقام، تهران، ۱۳۶۰.
۲۲. —، مسائل و مشکلات ساختار اقتصاد ایران، کیهان، ۱۳۶۵.
۲۳. —، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، هفته نامه آینه، ۲۳ دی ماه ۱۳۶۸.
۲۴. —، مسائل اساسی در بازسازی و توسعه اقتصادی ایران، ارائه در سمینار بازسازی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، ۲۱-۱۹ مهرماه ۱۳۶۸.
۲۵. فروغی، محمدعلی، اصول علم ثروت ملل (اولین کتاب علم اقتصاد در ایران) مقدمه حسین عظیمی، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۷.